



رمزگشایی «فرهیختگان» از هشدار غافلگیرکننده رئیس صندوق توسعه ملی

خطر نداشتن پروژه توسعه ملی جدی است

فرهیختگان روز گذشته مهدی غضنفری، رئیس صندوق توسعه ملی با ذکر این موضوع که اگر کشورهای همسایه با این شتاب توسعه و نگاه تهاجمی که به توسعه دارند، پیش بروند، برخی از متخصصان می‌گویند ممکن است ما با این وضعیت در آینده به واردکننده گاز، گندم، خدمات پزشکی، لجستیک و... تبدیل شویم. غضنفری در ادامه با اظهارات نسبتاً تندی گفت: «مردم نگرانند که به زودی تبدیل به عمده کشورهای همسایه شویم. وی گفت همسایه‌های ما به طور قابل توجهی در حال سرمایه‌گذاری در مبادین مشترک و غیرمستترک نفت و گاز هستند. آنها چون درآمد بالا دارند، حقوق‌های خوبی می‌دهند و در آینده می‌توانند کشور را از نیروهای متخصص تخلیه کنند.» وی گفت: «نرخ رشد اقتصادی بالا از جمله مولفه‌های لازم برای اقتدار ملی است و اگر به این موضوع بی‌توجه باشیم، ممکن است کشورهای همسایه نوع جدیدی از استعمار را برای ما رقم بزنند.» اظهارات غضنفری گرچه با کلمات تندی گفته شد اما وی در نهایت بیان داشت که همه این عقب‌ماندگی‌ها در حوزه‌های زیرساختی و سرمایه‌گذاری می‌تواند با سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی در حوزه‌های مختلف تا حدود زیادی جبران شود. همچنین غضنفری اولین بار نیست که نسبت به کاهش سرمایه‌گذاری در کشور هشدار می‌دهد. وی بارها نسبت به اینکه صندوق توسعه ملی در دولت‌های قبل به «فلک دولت‌ها» تبدیل شده و ۱۰۰ میلیارد دلار از دولت‌ها طلبکار بوده، اشاره و سعی کرده فلسفه بین‌نسلی و سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی را یادآوری کرده و نسبت به انحراف منابع صندوق از اهداف اولیه هشدار دهد.

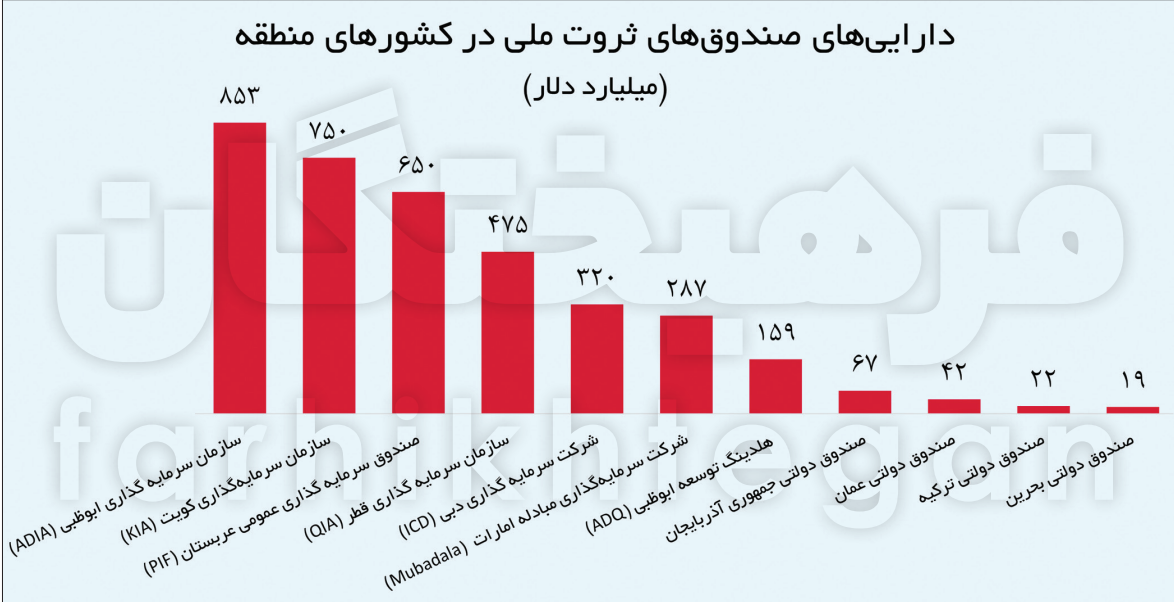
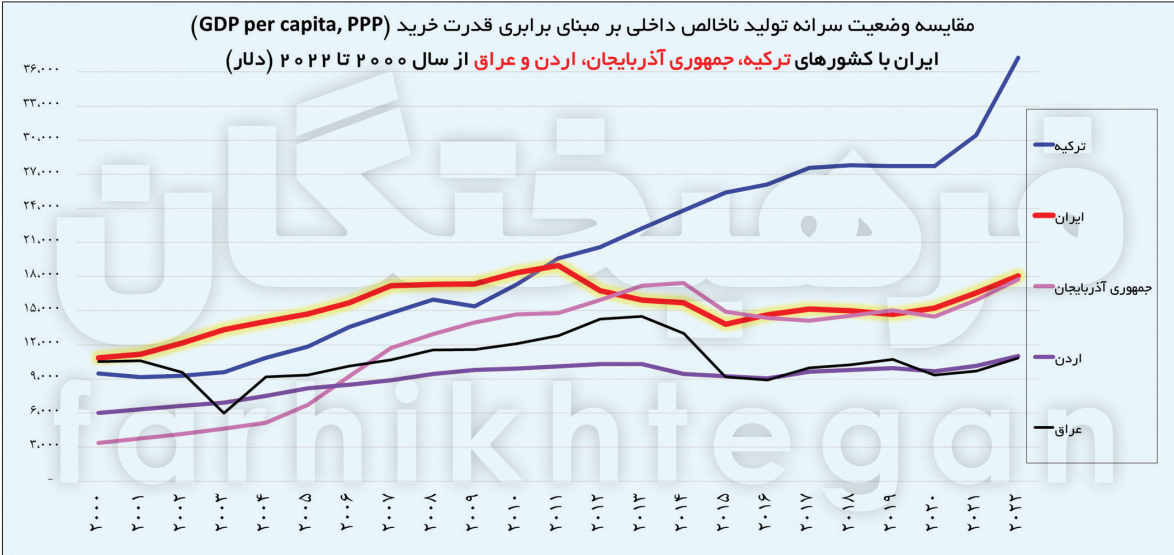
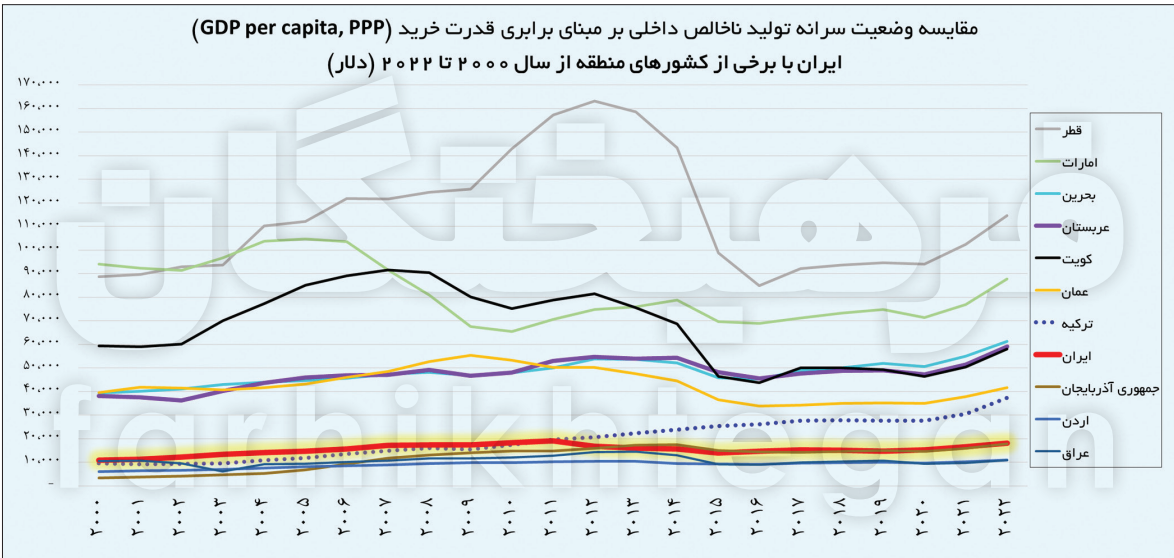
در گزارش پیش‌رو به بررسی سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌های ثروت ملی در کشورهای همسایه و همچنین طرح‌های توسعه‌ای این کشورها پرداخته شده است. آمارها نشان می‌دهد صندوق‌های ثروت ملی در کشورهای حاشیه خلیج فارس وارد طیف متنوعی از سرمایه‌گذاری‌ها در داخل و خارج شده‌اند. نکته دیگر اینکه، کارشناسان می‌گویند قبل از اینکه صندوق توسعه ملی وارد سرمایه‌گذاری‌های کلان شود، در ابتدا لازم است کشورمان یک روایت توسعه‌ای بدیل برای خود طراحی کند تا هم از توسعه کشورهای همسایه جان‌مانند و هم چشم‌انداز روشنی برای همه ایرانیان ترسیم شود.

افزایش شکاف رفاهی با همسایگان

براساس پیمایشی که طی سال ۱۴۰۱ توسط رصدخانه مهاجرت ایران و برای پنج گروه شامل دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، پرستاران و پزشکان، کارآفرینان و مدیران ارشد، مدیران میانی و کارکنان اجرا شده، این گروه‌ها ۱- بی‌ثباتی اقتصادی گویند (تحریم‌ها، نوسان قیمت ارز و تورم)، ۲- ناامیدی نسبت به آینده، ۳- شیوه حکمرانی، نظم و قانون‌مداری جامعه، ۴- دغدغه آینده فرزندان و ۵- وجود فساد را مهم‌ترین عواملی ذکر کرده‌اند که در تصمیم آنان به مهاجرت مؤثر است. به‌عبارتی نخبگان، افراد متخصص و صاحبان سرمایه، فشارهای اقتصادی، نبود فرصت‌های ایفای نقش، احساس به‌رسیمت شناخته‌نشدن و احساس غیرمقید بودن در کشور عوامل دفعه و طرد در ایران می‌دانند، عواملی که منجر به ایجاد بحران چشم‌انداز در خانوارها و بنگاه‌های می‌شود. یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند گذشته و حال وضعیت شهروندان یک کشور را ترسیم کند، شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید است. این شاخص از جمله معیارهای بهینه برای مقایسه سطح رفاه شهروندان هر کشور با مردم دیگر کشورهاست (وضعیت استانداردهای زندگی بین کشورها). برابری قدرت خرید (PPP) یک تئوری اقتصادی است که ارزش‌های کشورهای مختلف را از طریق رویکرد یک «سبد کالا» مقایسه می‌کند. براساس این مفهوم زمانی که یک سبد کالا در هر دو کشور با در نظر گرفتن نرخ‌های مبادله دواز قیمت یکسانی داشته باشد، دواز در حالت تعادل هستند. برای مقایسه معنی‌دار قیمت‌ها در بین کشورها طیف وسیعی از کالاها و خدمات باید در نظر گرفته شود. با این حال به دلیل حجم انبوه داده‌هایی که باید جمع‌آوری شوند و پیچیدگی مقایسه‌هایی که باید انجام شوند، دستیابی به این مقایسه یک به یک دشوار است. برای کمک به تسهیل این مقایسه دانشگاه پنسیلوانیا و سازمان ملل متحد نیروهای خود را برای انتشار برنامه مقایسه بین‌المللی (ICP) در سال ۱۹۶۸ به یکدیگر ملحق کردند. با این برنامه PPPهای تولیدشده توسط ICP مبنایی از یک نظرسنجی قیمت در سراسر جهان است که قیمت صدها کالا خدمات مختلف را با هم مقایسه می‌کند. این برنامه به اقتصاددانان کلان بین‌المللی کمک می‌کند تا بهره‌وری و رشد جهانی را تخمین بزنند. بانک جهانی هر سال گزارشی را منتشر می‌کند که در آن بهره‌وری و رشد کشورهای مختلف از نظر PPP و دلار آمریکا مقایسه می‌شود. گرچه نقد‌هایی هم به تولید ناخالص داخلی بر مبنای PPP وجود دارد اما در هر صورت در نبود شاخص‌های آماری، این شاخص قدرت مقایسه وضعیت رفاهی کشورها را به ما می‌دهد. همچنین برای مقایسه بهتر باید جمعیت را نیز لحاظ کرد که در آن صورت شاخص به‌عنوان سرانه تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید (PPP per capita, GDP) خواهد بود. آمارهای بانک جهانی نشان می‌دهد سرانه تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید (PPP, GDP per capita) برای ایران در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۰۸ هزار دلار به ازای هر ایرانی بوده که این مقدار تا سال ۲۰۱۱ به حدود ۱۹ هزار دلار نزدیک شده بود اما حالا این مقدار حدود ۱۸ هزار دلار است.

ارزای صندوق‌های ۳۰۷ هزار میلیارد دلاری خلیج فارس

یکی از ویژگی‌های بارز رشد کشورهای منطقه، رشد ذخایر و دارایی‌های صندوق ثروت ملی یا صندوق ثروت دولتی است. آمارهای نشان می‌دهد در سطح جهان SWFها طی دو دهه گذشته از ۶۲ صندوق در سال ۲۰۰۰ به ۱۷۶ صندوق در سال ۲۰۲۳ رسیده است. در این مدت، دارایی‌های SWF تحت مدیریت دولت‌ها (AUM) از هزار میلیارد دلار به ۱۱۴ هزار میلیارد دلار افزایش یافته است. چهار منطقه از نظر تعداد SWFها و دارایی‌های کل غالب هستند: اروپا (به‌ویژه نروژ) و کشورهای اروپای



مرکزی و شرقی)، آمریکا شمالی، آسیا-اقیانوسیه (مخصوصاً چین) و خاورمیانه. خلیج فارس در حال حاضر محل استقرار حدود ۲۰ صندوق ثروت دولتی است که تعداد زیاد از این صندوق‌ها مربوط به هر یک از شش کشور شورای همکاری خلیج فارس (GCC) است. صندوق‌های ثروت کشورهای حاشیه خلیج فارس از نظر اندازه، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و همچنین رویکردهای متنوع‌سازی دارایی‌ها، دستورات و اهداف و ساختارهای حاکمیتی متفاوت هستند. با این حال، آنها حداقل دو شباهت عمده دارند. اولین مورد این است که منبع اصلی تأمین مالی آنها، درآمدهای مازاد حاصل از صادرات نفت و گاز است. دوم، آنها تحت هدایت و نظارت دولت یا خاندان حاکم عمل می‌کنند.

گزارش هاشان می‌دهد دارایی صندوق‌های ثروت کشورهای حاشیه خلیج فارس تا سال ۲۰۲۲ حدود ۲,۷ هزار میلیارد دلار بوده است که این مقدار معادل ۳,۱۶ درصد از کل دارایی صندوق‌های ثروت جهان است. در بین صندوق‌های ثروت منطقه خلیج، سازمان سرمایه‌گذاری کویت (KIA) با ۷۵۰ میلیارد دلار دوم، صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF) با ۶۵۰ میلیارد دلار سوم، سازمان سرمایه‌گذاری قطر (QIA) با ۴۷۵ میلیارد دلار چهارم، شرکت سرمایه‌گذاری دویی (ICD) با ۳۲۰ میلیارد دلار پنجم، شرکت سرمایه‌گذاری مبادله امارات (Mubadala) با ۲۸۷ میلیارد دلار ششم، هلدینگ توسعه اربووسی (ADQ) با ۱۵۹ میلیارد دلار هفتم، صندوق دولتی عمان ۴۲ میلیارد دلار و صندوق دولتی بحرین با ۱۹ میلیارد دلار در رتبه‌های بعدی قرار دارند. قیمت‌های بالاتر نفت و آشفته‌گی‌های مداوم بازار، عواملی هستند که موجب شده درآمدهای بادآورده عاید تولیدکنندگان نفت و گاز خلیج فارس شود. موج سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌های ثروت منطقه خلیج فارس که با شیوع کووید-۱۹ آغاز شده، تغییرات قابل توجهی در الگو و مقصد سرمایه‌گذاری‌ها را به همراه داشته است. بررسی هدف‌گذاری‌های SWFهای خلیج فارس منعکس‌کننده تغییر رویکرد به سمت دارایی‌های جایگزین و «صنایع آینده»، تسریع سرمایه‌گذاری‌های داخلی، اشتباهی‌های فرایند برای مالکیت استارت‌آپ‌های جهانی، تاکید بیشتر بر سرمایه‌گذاری مشترک با سهام خصوصی (PE) و سرمایه‌گذاری ریسک پذیر (VC) است. بررسی هاشان می‌دهد از لحاظ تاریخی، SWFهای خلیج فارس در زمان نوسانات و قیمت پایین نفت به دنبال فرصت‌های جذاب بوده‌اند. با این حال، سرمایه‌گذاران ثروت خلیج فارس اخیراً به سمت دارایی‌هایی رفته‌اند که بازدهی را به همراه داشته و باعث رشد دارایی‌های آنها می‌شوند. آنها به جای نگهداری ثروت در دارایی‌های کم‌خطر و کم‌بازده، سرمایه‌گذاری‌های خود را در زمینه‌های سودآورتر مانند PE و سهام‌های بورسی متنوع کرده‌اند. به‌طوریکه آمارها نشان می‌دهد دارایی‌های جایگزین سهم قابل توجه و فرایند‌های از کل دارایی‌های صندوق‌های بزرگ منطقه خلیج فارس را تشکیل می‌دهد.

علاوه بر این، PIF در ژوئن سال جاری، Lifera، یک سازمان توسعه و تولید قرارداد در مقیاس تجاری راه‌اندازی کرد تا صنعت بیودارویی عربستان را تقویت کند. همچنین اقداماتی را برای ایجاد هم‌فرازی بین هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری خود و ایجاد برند جهانی خود انجام داده است. برای مثال، لباس‌های بازیکنان نیوکاسل یونایتد (باشگاه فوتبال لیگ برتر انگلیس که PIF حدود ۸۰٪ سهام آن را خریداری کرد) لگوی حامی مالی Noon.com می‌دهد.

صندوق‌های ثروت خلیج فارس به‌طور فرایند‌های در صحنه استارت‌آپ‌های جهانی فعال هستند. سنابیل، بازوی سرمایه‌گذاری خصوصی PIF عربستان، به‌طور مشخص از فهرست طولانی استارت‌آپ‌های آمریکایی حمایت کرده است. در همان زمان، PIF و گروه چینی‌علی‌بابا در حال جمع‌آوری سرمایه برای حمایت مشترک از استارت‌آپ‌های فناوری در آسیا و خاورمیانه هستند. سازمان سرمایه‌گذاری قطر (QIA) یک بسته تأمین مالی را برای Builderai که پلتفرمی برای کسب‌وکارها و برنامه‌های سفارشی‌گوشی‌های هوشمند است، ایجاد کرده است. همچنین QIA سرمایه‌گذاری دیگری را در استارت‌آپ‌های سنسگاور و حدود ۵۵۰ میلیون دلار نیز قابلیت هوش مصنوعی انجام داده است.

نمونه دیگر، سرمایه‌گذاری‌های شرکت سرمایه‌گذاری Mubadala امارات است. طبق آمارها، این شرکت بین سال‌های ۲۰۲۰ تا شروع سال ۲۰۲۳ حدود ۱,۲ میلیارد دلار در هند برای خدمات دیجیتال، ۱,۱ میلیارد دلار برای تولید وسایل نقلیه برقی در چین، ۱ میلیارد دلار، ۳۵۰ میلیون دلار در بخش خدمات داده گروه دیجیتال پرینستون سنسگاور و ۵۲۵ میلیون دلار در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری کرده است. صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان سعودی (PIF) نیز طی دو سال اخیر ۴,۶ میلیارد دلار در بخش تولید بازی‌های موبایلی و رایانه‌ای ۱,۲ میلیارد دلار در بخش کشاورزی سنسگاور و حدود ۵۵۰ میلیون دلار نیز در بخش تولید بازی در چین هزینه کرده است.

دارایی‌های آمریکای شمالی و اروپا مدت‌هاست که پایه‌های اصلی پرتفوی SWFهای خلیج فارس بوده‌اند. حتی در طول بحران مالی ۲۰۰۹-۲۰۰۸، سرمایه‌گذاران خلیج فارس، سهام عمده غربی خود را حفظ کردند و از افق‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت خود برای راهی‌ای از رکود و جست‌وجوی دارایی‌های کم‌ارزش‌تر استفاده کردند. در سال ۲۰۲۲ SWFهای خلیج فارس تقریباً ۸۹ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری در سطح جهان هزینه کردند که دو برابر سال ۲۰۲۱ است. طبق گزارش GlobalSWF، حدود ۵۱,۶ میلیارد دلار از این مقدار در اروپا و آمریکای شمالی سرمایه‌گذاری شده است.

اگرچه غرب همچنان مقصد ترجیحی دلارهای نفتی است که توسط SWFهای خلیج فارس مدیریت می‌شود، اما صندوق‌های ثروت منطقه به سمت تنوع بخشی در مقاصد سرمایه‌گذاری‌های خود حرکت می‌کنند. کشورهای خلیج فارس پل‌های اقتصادی با همسایگان فقیرتر خود می‌سازند که زمانی برخی از آنها را دشمن می‌دانستند. سه مقصد کلیدی منطقه عبارتند از مصر، عراق و ترکیه.

SWFهای خلیج فارس به‌طور فرایند‌های در آسیا فعال هستند و چین، هند و کشورهای عضو انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN) ذی‌نفعان اصلی آن هستند. علاوه بر استفاده تیم‌های متخصص برای مطالعه بازارهای آسیایی، صندوق‌های ثروت خلیج فارس دفاتر خود را در این منطقه مستقر کرده‌اند. PIF یک دفتر در هنگ کنگ دارد، در حالی که Mubadala و QIA در سنگاپور فروشگاه راه‌اندازی کرده‌اند. بخش سهام خصوصی ADIA (PED) تیم‌های سرمایه‌گذاری اختصاصی را با تمرکز بر «چین و هند و آسیای جنوب شرقی» مستقر کرده است. همچنین اهداف سرمایه‌گذاری‌های SWFهای خلیج فارس در آسیا طیف وسیعی از بخش‌ها، از جمله بازی‌ها و خدمات الکترونیک، بخش کشاورزی، انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری خدمات